خراسان روزنامه صبح ایران
دوشنبه ۴ تیر ۱۳۹۷. ۱۱ شوال ۱۴۳۹. شماره ۱۹۸۴۹

احتمال خودکشی رئیس پلیس تاتارستان

احتمال می‌رود رئیس اداره پلیس راهنمایی و رانندگی تاتارستان به زندگی خود پایان داده باشد. به گزارش ایسنا از لنتارو، بدن این پلیس روس ۲۲ ژوئن امسال در حالی کشف شد که در نزدیکی جنازه اش تپانچه ای قرار داشت، احتمالاوی از آن برای کشتن خود استفاده کرده است. کمیته ای تحقیقاتی برای بررسی علت این حادثه در روسیه تشکیل شده است.

هنگام بازسازی صحنه جنایت در حضور مقام قضایی

«مغول» غش کرد!

مستاجر: همسرم می گفت: این خانه روح دارد!!

سید خلیل سجادپور- مرد ۳۵ ساله ای که شش سال قبل ودرپی ارتباطی شیطانی باهمسر دوستش، دست به جنایتی هولناک زده بود، صبح روز گذشته هنگام یادآوری وتشریح صحنه قتل، دوبار به حالت غش، خود را روی زمین انداخت که هر بار بعد از نوشیدن مقداری آب به خود آمد و لحظه به لحظه چگونگی قتل رفیقی را که پای سفره اش نشسته بود ،برای رسیدن به هواهای نفسانی توضیح داد.

به گزارش خراسان، صبح روز گذشته، دو متهم یک پرونده جنایی که باتوسل به ترفندهای خاصی، ماجرای قتل مرد ۴۵ ساله را حدود شش سال پنهان کرده بودند، به محل ارتکاب جنایت واقع در توس ۴۳ هدایت شدند تا در حضور قاضی ویژه قتل عمد، صحنه جنایت هولناک را بازسازی کنند. در آغاز بازسازی صحنه قتل، بعد از آن که سر گرد خداوردی نژاد(افسر پرونده) توضیحاتی را درباره چگونگی کشف راز قتل و دستگیری متهمان با هوشیاری مقام قضایی و تلاش شبانه روزی کارآگاهان ارائه کرد، زن ۳۴ ساله در حالی که با دیدن خانه قدیمی و محل قتل همسرش، متاثر شده بود و همانند ابر بهاری اشک می ریخت، مقابل دوربین قوه قضاییه ایستاد وپس از معرفی کامل خود گفت: همسرم(محمدرضا) با این مرد که معروف به «مغول» است و در یک تاکسی تلفنی کار می کرد، از مدتی قبل آشنا شده بود که همین آشنایی به رفاقت و رفت وآمد خانوادگی بین ما انجامید. دیگر مغول به راحتی به منزل مامی آمد به طوری که وقتی همسرم در منزل نیز حضور نداشت، او در خانه ما استراحت می کرد تا این که آرام آرام، رابطه ای شیطانی بین ما شکل گرفت و هوسرانی های پنهانی ما آغاز شد. این رابطه غیر اخلاقی تا آن جا پیش رفت که «مغول» حتی اجازه نمی داد من نزد همسرم لباس راحتی بپوشم!

«ز-ف» ادامه داد: این گونه بود که اختلافات جدی خانوادگی بین من و همسرم در حالی شروع شد که دختر بچه کوچکی نیز داشتم. در گیر و دار این اختلافات از همسرم خواستم مراطلاق بدهد چرا که مغول اصرار داشت من باید از همسرم طلاق بگیرم تا با او ازدواج کنم! ولی همسرم مرا دوست داشت و حاضر به طلاق نبود. روزها به همین ترتیب سپری می شد تا این که روزی ماموران انتظامی من و مغول را به اتهام داشتن رابطه نامشروع در آرامستان مشهد دستگیر کردند. آن روز همسرم به کلانتری آمد و در حالی که تقریبا به ارتباط ما مشکوک شده بود، به ماموران گفت: مغول دوست من است و ما با یکدیگر ارتباط خانوادگی داریم. به همین خاطر ما را آزاد کردند ولی همسرم که از این موضوع به شدت ناراحت بود، روی تکه کاغذی نوشت که قصد دارد دیگر از مشهد برود و هیچ گاه باز نگردد!! اما او این دست نوشته را به خواهر من داده بود! که بعد از قتل همسرم از همان دست نوشته برای گمراه کردن پلیس و تغییر مسیر تحقیقات استفاده کردم. گزارش خراسان حاکی است، زن ۳۴ ساله سپس درباره چگونگی وقوع جنایت و در پاسخ به سوالات تخصصی و فنی قاضی کاظم میرزایی گفت: رابطه

مغول در حال تشریح صحنه جنایت در حضور بازپرس میرزایی

من و مغول به حدی رسید که دیگر تصمیم به قتل همسرم گرفتیم چرا که او حاضر به طلاق نبود! بار اول مغول چند عدد قرص خواب آور به من داد تا به همسرم بخورانم اما وقتی شب برای کشتن همسرم به خانه ما آمد، ترسید چرا که او هنوز کاملا بیهوش نشده بود! چند شب بعد دوباره بسته ای قرص به من داد که من قرص ها را با چای به همسرم خوراندم. وقتی مغول سوار بر پراید خودش به خانه آمد، همسرم را با روسری خفه کرد! جسد همان جا بود تا این که صبح من دخترم را از خواب بیدار کردم، چادرم را طوری گرفتم که او جسد پدرش را نبیند. سپس دخترم را به مدرسه بردم و از آن جا به خانه مادرم رفتیم تا این که روز بعد هم جسد را به درون چاهی در اطراف روستای سهل الدین انداختیم. گزارش خراسان حاکی است، در ادامه بازسازی صحنه قتل و به دستور قاضی میرزایی (قاضی ویژه قتل عمد)، مغول متهم ردیف اول پرونده نیز مقابل دوربین قوه قضاییه ایستاد و بعد از معرفی خود گفت: آن شب وقتی «ز-ف» (همسر مقتول) با من تماس گرفت و گفت همسرش با خوردن قرص هابی حال شده است بلافاصله در همان نیمه شب به خانه دوستم رفتم. او در کف اتاق دراز کشیده بود، من طنابی را که از داخل خودرو برداشته بودم، چند بار کشیدم تا از محکم بودن آن اطمینان یابم ولی دیدم طناب سست است به همین خاطر از «ز» خواستم تا یک روسری بدهد! آن هنگام روسری را دور گردن دوست ۴۵ ساله ام انداختم و کشیدم ولی او در همان حالت نیز هوشیار شد و قصد درگیری با مرا داشت که دیگر مهلت ندادم و آن قدر روسری را کشیدم تا بی جان شد. بعد از آن در حالی که ترسیده بودیم جسد را در هال رها کردیم و به خانه یکی از دوستانم رفتیم. آن جا من مقداری شیره مصرف کردم و روز بعد دوباره با کمک «ز»، جسد را به کنار خودرو بردیم تا درون صندوق عقب بگذاریم ولی دهان «ز» از ترس خشک شده بود. او جسد را رها کرد و برای نوشیدن آب به داخل منزل رفت که در این هنگام من جسد را در صندلی عقب گذاشتم و با یکدیگر به روستای سهل الدین (روستای پدری متهم) رفتیم. آن جا بود که جسد دوستم را درون چاه عمیقی انداختیم و به خانه باز گشتیم. بعد از این ماجرا در حالی که همچنان با «ز» در ارتباط بودم، گوشی تلفن همراه مقتول را نیز خاموش کردم و با خودم بردم! چند روز بعد وقتی گوشی را روشن کردم چند پیامک برایش ارسال شد که ترسیدم و سیم کارت آن را شکستم! از سوی دیگر هم پلیس به «ز» و من مشکوک شده بود حتی زمانی که «ز» در زندان بود، شایعه می کردیم که او (مقتول) را مثلا در بندر عباس دیده اند! دست خط محمدرضا هم برای رفتن از مشهد، سند محکمی بود که پلیس را گمراه می کرد و این تصور به وجود آمده بود که محمدرضا زنده است. ولی بعد از شش سال نمی دانم چگونه پی به ماجرا بردند و ما را دستگیر کردند. متهم این پرونده جنایی در ادامه اعترافات تکان دهنده خود افزود: مدتی بعد از ارتکاب قتل فهمیدم «ز» با افراد دیگری هم ارتباط دارد. از این موضوع خیلی ناراحت شدم و او را چند بار تعقیب کردم حتی با یکی از همان مردانی که با او در ارتباط بود درگیر شدم و دعوا کردیم. به همین خاطر دیگر او را رها کردم و به دنبال زندگی خودم رفتم. گزارش خراسان حاکی است، «ز» متهم دیگر پرونده نیز در پی اعترافات «مغول» گفت: او بعد از قتل دیگر اهمیتی به من نمی داد در حالی که من همسرم را از دست داده بودم و کسی را هم نداشتم. حتی چند ساعت مقابل خانه اش کشیک می دادم تا بیرون بیاید به او می گفتم من دیگر تنها هستم! برای مخارج خودم مانده ام! ولی او انگار نه انگار که همسرم را کشته و مرا به این روز انداخته است! به همین دلیل مجبور شدم با او قطع رابطه کنم! تا این که همین اواخر با فردی ازدواج کردم و در یکی از شهرهای اطراف مشهد ساکن شدم! شایان ذکر است هنگامی که کارآگاهان اداره جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی برای هماهنگی با مستاجر منزلی که جنایت در آن رخ داده بود رفته بودند تا بازسازی صحنه قتل انجام شود، مرد مستاجر با شنیدن ماجرای قتل گفت: ما به تازگی به این جا نقل مکان کرده ایم اما همسرم همیشه می گفت این خانه روح دارد!! وقتی تو نیستی صدای عجیبی به گوشم می رسد که می ترسم!... کارآگاهان با شنیدن این اظهارات از مرد صاحبخانه خواستند به مراکز مشاوره مراجعه کند.

سابقه خبر

اول مهر سال ۹۱، ماجرای گم شدن مرد ۴۵ ساله ای پلیس را به تکاپو انداخت اما همه سرنخ ها به بن بست می رسید و دلیل محکمه پسندی برای ارتکاب قتل پیدا نمی شد تا این که بعد از گذشت شش سال از این ماجرا، قاضی کاظم میرزایی (قاضی شعبه ۲۱۱ دادسرای عمومی و انقلاب مشهد) رسیدگی به این پرونده را به عهده گرفت و با مطالعه دقیق اوراق رنگ و رو رفته، روی فردی به نام «مغول» متمرکز شد. این گونه بود که قاضی ویژه قتل عمد مشهد دستور دستگیری و بازجویی از مغول را در حالی صادر کرد که قبل از آن، بررسی های نامحسوس چندین روزه، درباره وضعیت اجتماعی و اخلاقی همسر مقتول نیز با دستور وی صورت گرفته بود. وقتی متهم دستگیر شد با دیدن اسناد انکار ناپذیری که روی میز قاضی قرار داشت به ناچار لب به اعتراف گشود و راز این جنایت هولناک را با همدستی همسر مقتول فاش کرد.

وزیر کشور: آمار اعلام شده درباره حادثه ایرانشهر واقعی نبود

وزیر کشور گفت: در حادثه ایرانشهر آماری که اعلام کردند واقعی نبود و آن چه به صورت رسمی به ما تا این لحظه گزارش شده و شکایت کرده اند، چهار مورد بوده است.

به گزارش ایسنا، عبدالرضا رحمانی فضلی روز گذشته در حاشیه صد و دومین جلسه شورای اجتماعی کشور و در جمع خبرنگاران، از آخرین اقدامات انجام شده درباره حادثه ایرانشهر گفت و اظهار کرد: درباره حادثه ایرانشهر باید بگوییم آن تعدادی که اعلام کرده اند واقعی نبود و طبق گزارش رسمی که تا این لحظه به ما اعلام شده است و شکایت رسمی کرده اند، چهار مورد بوده است.

وی ادامه داد: البته در بازجویی از افراد ادعا شده است که موارد دیگری وجود دارد اما هنوز این موارد اثبات نشده است. همچنین قوه قضاییه اکنون مسئول کار است و باید موضوع را به صورت دقیق و سریع پیگیری کند تا با اقدام سریع، بازدارندگی ایجاد کنیم.

وزیر کشور اضافه کرد: در برخی حوادثی که در جامعه رخ می دهد، قوه قضاییه با سرعت وارد عمل می شود تا بتواند عادلانه و منصفانه برخورد جدی داشته باشد و این اقدام قطعا بازدارندگی خواهد داشت اما به طور مثال در خصوص این موضوع شش ماه تا یک سال به طول می انجامد تا حکم صادر شود و این امر، قدرت بازدارندگی خود را از دست می دهد و ممکن است برخی از افراد مدعی و طلبکار باشند. وی تصریح کرد: "امیدواریم دستگاه های امنیتی، قضایی و انتظامی که مسئول پیگیری این موضوعات هستند، با دقت و سرعت و جدیت، ابتدا پیشگیری و بازدارندگی کنند و اگر اتفاقی افتاد با سرعت برخورد کنند تا در جامعه امنیت بیشتری ایجاد شود.

دستگیری قاتل پیرزن روستایی

فرمانده انتظامی کردکوی از دستگیری قاتل پیرزن ۷۱ ساله روستایی در این شهرستان خبر داد.

«علی اکبر خرمی» در گفت و گو با ایسنا، اظهار کرد: ۲۳ خردادماه امسال، وقوع یک فقره قتل به مرکز ۱۱۰ اطلاع داده شد که به اتفاق بازپرس در محل حاضر شدیم. زنی در حیاط منزلش با چاقو به قتل رسیده بود. کار جمع آوری آثار جرم در محل توسط پلیس آگاهی انجام شد.

وی افزود: در بررسی های اولیه هیچ سرنخی به دست نیامد و تنها مشخص شد مقداری از طلاجات مقتول به سرقت رفته است.

خرمی ادامه داد: با دستور بازپرس ویژه، تحقیقات از معتمدان محل و نزدیکان مقتول انجام شد تا این که در تحقیقات مشخص شد شخصی از زمان وقوع این قتل خودش را مخفی کرده است. با رصد اطلاعاتی دیروز با خبر شدیم این شخص در محل کارش حضور یافته است.

فرمانده انتظامی کردکوی تصریح کرد: با هماهنگی انجام شده این شخص دستگیر و به پلیس آگاهی منتقل شد. بازجویی از این فرد انجام و مستندات توسط پلیس ارائه شد.

وی خاطرنشان کرد: این شخص پس از مشاهده مستندات به قتل اعتراف و اظهار کرد به علت وضعیت مالی ضعیف با همدستی یکی از دوستانش این کار را انجام داده است.

خرمی با بیان این که آلات قتاله و همه وسایل در خودروی شخصی قاتل به طرز ماهرانه ای جاسازی شده بود، تصریح کرد: همدست این شخص نیز دستگیر شد و متهمان برای سیر مراحل قانونی به دستگاه قضایی معرفی شدند.

۵ گردشگر حادثه واژگونی مینی بوس بستری هستند

پنج نفر از ۱۱ مجروح انحراف وواژگونی یک دستگاه مینی بوس حامل گردشگران عراقی در جواهرده رامسر در بیمارستان بستری هستند.

به گزارش ایرنا، مینی بوس حامل ۱۹ گردشگر عراقی شامگاه شنبه هنگام بازگشت از روستای ییلاقی جواهرده دچار سانحه شد و در نتیجه هفت مرد و چهار زن زخمی شدند.

مدیر روابط عمومی بیمارستان امام سجاد(ع) رامسر روز یک شنبه در گفت و گو با ایرنا گفت: پنج نفر از مجروحان این حادثه به دلیل شکستگی همچنان در بیمارستان بستری هستند و بقیه به صورت سرپایی درمان و شب گذشته مرخص شدند.

احمدرضا شکوری افزود: چهار نفر از این مجروحان در بخش جراحی و یک زن نیز در بخش آی سی یوی بیمارستان بستری است.

وی تاکید کرد : هم اکنون وضعیت عمومی همه مجروحان حادثه خوب است و هیچ یک از آنان مشکل خاصی ندارند.

شاهدان عینی گفتند که مینی بوس حامل گردشگران عراقی به خاطر بروز مشکل فنی در ترمزش از جاده منحرف وواژگون شد.

روستای جواهرده که از آن به عنوان نگین گردشگری رامسر یاد می شود در ۲۷ کیلومتری این شهر و در ارتفاع یکهزار و ۸۰۰ متری از سطح دریا واقع است.

مسیر دسترسی به جواهرده از منتها الیه غربی شهر رامسر است که گردشگران برای رسیدن به آن از میان کوه های مشجر و در امتداد رودخانه صفارود حرکت می کنند.

در امتداد تاریکی

جهیزیه آن دختر...!

همه امیدم را از دست داده ام، دستم از زمین و آسمان کوتاه است و جز پناه آوردن به مردان قانون چاره ای نداشتم. دزدان بی وجدان دسترنج چند ساله ام را به یغما برده اند و من امروز در حالی شرمنده دختر کوچکم شده ام که نمی دانم چگونه جهیزیه دیگری برایش تهیه کنم در حالی که قرار بود آخر همین ماه زندگی مشترکش را آغاز کند و... زن ۲۷ ساله در حالی که آرام و قرار نداشت و مدام داخل اتاق به این سو و آن سو می رفت گزارش پلیس ۱۱۰ را روی میز مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری سپاد مشهد گذاشت و با بیان این که بعد از خدا چشم به حمایت مردان قانون و نیکوکاران دوخته ام، در تشریح ماجرا گفت: تازه به سن نوجوانی رسیده بودم که با اصرار پدر کارگرم در حالی پای سفره عقد نشستم که وارد مقطع تحصیلی راهنمایی شده بودم و هیچ چیزی از مهارت های خانه داری و زندگی مشترک نمی دانستم با وجود این سال ها با بیکاری و اعتیاد همسرم ساختم اما دم بر نیاوردم تا خدای ناکرده زندگی ام متلاشی نشود. روزهای سختی را می گذراندم تا این که کمی بزرگ تر شدم و با هر زحمتی بود زندگی ام را اداره می کردم. از حدود دو سال قبل، چندین خواستگار زنگ منزلمان را به صدا در آوردند اما دخترم ۱۲ سال بیشتر نداشت و من هیچ گاه راضی به ازدواج زود هنگام او نمی شدم چرا که خودم این شرایط را با گوشت و پوست لمس کرده بودم و با سختی های ازدواج زود هنگام، آشنایی داشتم، این بود که به همه خواستگاران پاسخ منفی می دادم اما در میان آن ها جوانی بود که رضایت همسرم را جلب کرده بود، با آن که نمی خواستم دخترم همانند من گرفتار مشکلات ازدواج زود هنگام شود اما گویی دست تقدیر قفلی بر دهانم زد و من با اصرار همسرم راضی به این ازدواج شدم. از روزی که خطبه عقد جاری شد من هم کمر همت را بستم تا با کار گری در منازل مردم و سبزی پاک کنی، جهیزیه مناسبی را برای دختر کوچکم تهیه کنم. در این میان برخی از خیریه ها که از مشکلات زندگی من آگاه بودند، مقدار زیادی از جهیزیه دخترم را خریدند تا بعد از گذشت دو سال از دوران نامزدی، آخر همین ماه زندگی مشترک خود را آغاز کند اما حادثه تلخی زندگی ام را به هم ریخت به طوری که از نگاه کردن به چشمان جگر گوشه ام شرم دارم. ماجرا این گونه بود که بعد از چند ساعت وقتی از بیرون به منزل باز گشتم، تلاش هایم برای باز کردن در حیاط بی فایده بود، به همین دلیل پسرم را برای گشودن در بالای دیوار فرستادم اما وقتی وارد خانه شدم دنیا روی سرم آوار شد. دزدان همه جهیزیه دخترم را به یغما برده بودند و من تنها به محل هایی خیره شده بودم که دزدان بی وجدان دست به تخریب زده بودند و... شایان ذکر است به دستور سرگرد زمینی (رئیس کلانتری سپاد مشهد) این پرونده به طور ویژه در دستور کار ماموران تجسس قرار گرفت و تلاش ها برای دستگیری دزدان ناجوانمرد آغاز شد.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

از میان خبرها

جاساز ۲۷ کیلوگرم هروئین در اتوبوس مسافربری لورفت

توکلی- فرمانده انتظامی سیرجان از کشف بیش از ۲۷ کیلو گرم هروئین طی عملیاتی پلیسی از یک دستگاه اتوبوس خبر داد. به گزارش خبرنگار ما، سرهنگ "ایران نژاد" گفت: ماموران پلیس مبارزه با مواد مخدر شهرستان سیرجان هنگام کنترل خودروهای عبوری در یکی از محورهای مواصلاتی به یک دستگاه اتوبوس مشکوک شدند و آن را متوقف کردند. وی افزود: در بازرسی دقیق از این اتوبوس ۲۷ کیلو و ۶۰۰ گرم هروئین که به طرز ماهرانه ای در آن جاسازی شده بود، کشف شد. وی خاطرنشان کرد: در این زمینه سه قاچاقچی که قصد داشتند این مواد افیونی را از شرق کشور به استان های مرکزی منتقل کنند، دستگیر شدند.

شناسایی باند سارقان منزل در رضوانشهر

رئیس پلیس آگاهی استان گیلان از شناسایی باند سه نفره سارقان منزل و دستگیری یک متهم در شهرستان رضوانشهر با شش فقره سرقت خبر داد. به گزارش ایسنا، سرهنگ «رحیم شعبانی»، در تشریح این خبر گفت: در پی دریافت گزارش های مردمی مبنی بر حضور سه نفر در نیمه های شب در یکی از ساختمان های اداری شهرستان رضوانشهر، مأموران انتظامی برای بررسی موضوع بلافاصله به محل اعزام شدند. وی با بیان این که با حضور پلیس یکی از متهمان دستگیر شد و دو نفر دیگر موفق به فرار شدند، افزود: متهمان قصد داشتند از این مکان اداری که فاقد نگهبان بود، سرقت کنند. این مقام انتظامی با اشاره به این که سارق دستگیر شده با همدستی دو متهم دیگر در بررسی فنی پلیس، به شش فقره سرقت اعتراف کرد، ادامه داد: تحقیقات پلیس برای دستگیری متهمان متواری ادامه دارد.

۷ کشته و ۶ زخمی در حوادث رانندگی کرمان

توکلی- حوادث رانندگی طی ۴۸ ساعت گذشته در کرمان، هفت کشته و شش زخمی برجا گذاشت. رئیس پلیس راه شمال استان کرمان گفت: بر اثر بی احتیاطی و سرعت زیاد، دو حادثه از نوع واژگونی در محورهای برون شهری رخ داد که در یکی از این حوادث که در محور "بم- رستم آباد" به وقوع پیوست، سواری پژو ۴۰۵ بنا به دلایلی از مسیر خود منحرف و در نهایت واژگون شد. به گزارش خبرنگار ما، سرهنگ نجفی افزود: در این حادثه سرنشین این خودرو که یک خانم جوان بود، جان خود را از دست داد و راننده به همراه یک نوزاد به شدت زخمی و روانه بیمارستان شد. وی بیان کرد: در حادثه دیگری باز هم از نوع واژگونی در محور روستایی شهرستان بافت، یک خودروی پراید به علت تخطی از سرعت مطمئنه واژگون شد و مرگ راننده جوان را رقم زد. وی خاطرنشان کرد: بر اثر بی احتیاطی برخی رانندگان، چهارفقره تصادف منجر به فوت و جرح نیز در سطح معابر برون شهری به وقوع پیوست و پنج نفر کشته و چهار نفر زخمی شدند.

قتل در راهروی دفترخانه

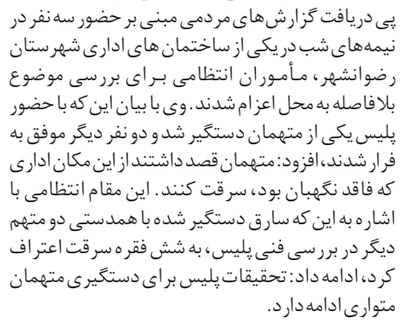

مرد میان سالی که بر اثر درگیری با پیرمردی بر سر معامله یک قطعه زمین او را کشته بود، به زودی به اتهام قتل در دادگاه محاکمه می شود. به گزارش رکنا، مرد ۵۰ ساله متهم است که دوم بهمن سال ۹۵ در جریان درگیری بر سر سند زدن قطعه زمینی به دفترخانه ای در شمال تهران رفته و در نزدیکی آن جا با فروشنده درگیر شده و او را کشته است. متهم ابتدا مدعی بود که حال پیرمرد بعد از دعوایشان بد شده و فوت کرده است اما بازبینی دوربین حاکی از آن بود که وی با چاقو به سر پیرمرد زده و باعث مرگش شده است. او بعد از بازسازی صحنه قتل با دستور بازپرس محسن مدیروستا بازداشت و روانه زندان شد، اما در ادامه مدعی شد در زمان جنایت دچار جنون بوده که به پزشکی قانونی معرفی شد اما کارشناسان پزشکی قانونی سلامت روانی او را تایید کردند.

متهم چند روز پیش برای آخرین جلسه بازپرسی به شعبه ششم بازپرسی دادسرای جنایی تهران منتقل شد و به بازپرس پرونده گفت: مقتول قرار بود آن روز سند زمینی را که خریده بودم طبق نظر دادگاه به نام کند. او کمی دیر آمده بود، در راه پله ها او را دیدم. دعوایمان شد و با چاقو ضربه ای به سرش زدم و فکر نمی کردم بمیرد.

متهم به زندان باز گشت و پرونده او به اتهام مباشرت در قتل عمدی با صدور کیفرخواست به دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شد تا عامل جنایت به زودی محاکمه شود.